

The Pathology of Imprisonment on the Institution of the Family

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Zahra Eslami¹
Seddigheh Mahdavi Kani^{2*}

How to cite this article

Zahra Eslami, Seddigheh Mahdavi Kani, The Pathology of Imprisonment on the Institution of the Family, *Journal of Quran and Medicine*, 2022:6(4): 170-180.

1. Graduated from Imam Sadiq (AS) University, Sisters Campus, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Imam Sadegh University (AS), Sisters Campus, Tehran, Iran.

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: mahdavikani@gmail.com

Article History
Received: 2021/11/11
Accepted: 2022/01/05

ABSTRACT

Imprisonment has a long history in human history. Imprisonment has had many ups and downs throughout history. In Imami jurisprudence, limited cases of imprisonment are mentioned. Therefore, the jurists have raised complete and comprehensive discussions in other jurisprudential cases, only sporadically and in some branches, regarding imprisonment. The scope of research on the issue of imprisonment, in different fields and dimensions, does not have much history, and one of the related and less discussed issues related to the issue of imprisonment refers to the establishment of a proportional relationship between the process of issuing and executing the punishment of imprisonment in the field of penal crimes (according to the principles of criminal law) and the institution of the family (according to the policies of the Supreme Leader). The research method is descriptive and analytical using library resources. In the current research, it was tried to discuss and investigate the family-centered approach to the process of legalization, issuance and execution of the prison sentence. It was found that one of the most important reasons given by those in favor of de-imprisonment and the use of alternative punishments is the destructive and unfortunate effects that the issuance and execution of a prison sentence has on the family of the convicted person, even though the policy of de-imprisonment is also It has been noted in the above documents as well as in the normal laws, the writing of some criminal regulations in our country has been in such a way that this goal is not fully met and on the contrary, it causes the increase of the criminal population.

Keywords: Alternative Punishments of Imprisonment, Family-Oriented Approach, De-Incarceration Policy, Place of Family Institution

مقدمه

با عنایت به این که در دین مسیبن اسلام بنیان خانواده در جایگاه بسیار رفیعی قرار دارد؛ در بینش توحیدی، ازهم گسیختگی خانواده، به مثابه‌ی ازهم پاشیدگی کل جامعه می باشد؛ بنابراین ضرورت چاره اندیشی درباره نفوذ انحرافات اجتماعی به این نهاد بنیادی، اهمیت دارد. همچنین از آنجا که مجازات زندان در دین اسلام در موارد بسیار محدود می باشد و مختص افراد شرور و کسانی است که آبرو و ناموس جامعه را تهدید و به آن تجاوز نمایند یا امنیت و اقتدار نظام اسلامی را به خطر بیندازند، مصادیق لزوم حبس در فقه امامیه بدین شرح است: ۱. حبس مُسک: کسی که دیگری را ننگه می‌دارد تا قاتل او را بکشد (۱، ۲) ۲. آمر در قتل (۳) (۴) ۳. سرقت در مرتبه سوم (۵، ۶) ۴. زن مرتد در صورت رجوع نکردن از ارتداد (۷) لذا این مجازات به هیچ وجه برای کسانی که تخلف های کوچک انجام داده‌اند یا مرتکب جرایم غیر عمد باشند، مناسب نیست. چراکه در فقه امامیه این پیش فرض غالباً وجود دارد که احکام دین تابع اهداف و مقاصد آن است (۸، ۹) بنابراین مجازات از باب رحمت از طرف خداوند تشریح شده است و در نتیجه کسی که بزهکاران را به علت ارتکاب گناه مجازات می کند، با هدف احسان به ایشان باشد.

مجازات حبس، علاوه بر سلب آزادی از شخص زندانی، از ایفای نقش وی در خانواده جلوگیری می کند که این مساله می تواند تبعات جبران ناپذیری را برای اعضای خانواده به همراه داشته باشد و منجر به نابسامانی خانواده و کارکردهای آن گردد. پیامدهای مجازات زندانی شدن از بعد فردی، فراهم ساختن زمینه تکرار جرم از سوی مجرم زندانی به دلیل تبادل تجربه در محیط زندان و از میان رفتن هراس و قبح زندانی شدن را به همراه دارد. پیامدهای این مجازات از بعد اجتماعی، از هم گسیختگی خانواده‌ها، ایجاد الگو برای سایر اعضای خانواده و گرایش آنان به انحرافات اجتماعی و تخلفات را افزایش می دهد، کاهش اقتدار سرپرست خانواده نزد فرزندان به علت ارتکاب جرم و غیبت او از محیط خانواده و اقامت در زندان موجب می شود که فرزندان، احساس خودمختاری و آزادی بیشتری نموده، اوقات فراغت خود را بیرون از خانه با گروه های همسالان و در برخی موارد، بزه کار سپری کنند و روش های بزه کاری را فرا بگیرند. از طرف دیگر، فرزندان که والدین آنها زندانی هستند، از طرف گروه دوستان، همونوا با ارزش های جامعه طرد می شوند و نوعی برچسب انحراف به آنان زده می شود. تاثیر زندانی شدن سرپرست خانوار بر روی همسران آنان قابل توجه است. انتقال مسئولیت سرپرستی خانواده در غیاب شوهر، یافتن راه های جایگزین برای تامین مالی خانواده، نظارت بر فرزندان، پیگیری جلب رضایت شاکی در صورت وجود و یا تامین هزینه های مربوط به زندان از مشکلات و مسئولیت هایی است که همسر زندانیان با آنها مواجه هستند.

با توجه به پیامدهای مختلف حبس بر فرد و خانواده، و از آنجا که خانواده، واحد تشکیل دهنده جامعه است و تاثیرات عوامل مختلف بر این واحد در درازمدت بر جامعه نیز تاثیر می گذارد، شناخت تاثیرات اجتماعی ناشی از حبس بر خانواده، بسیار لازم و ضروری است. وجود چنین آثار نامطلوبی که کیفر حبس بر نهاد خانواده و

زهرا اسلامی^۱

دانش آموخته دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران، تهران، ایران.

صدیقه مهدوی کنی^{۲*}

دانشیار، دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران، تهران، ایران.

چکیده

مجازات حبس سابقه طولانی در تاریخ بشر دارد. مجازات حبس در طول تاریخ، فراز و نشیب زیادی داشته است. در فقه امامیه، به موارد محدودی از مجازات حبس اشاره شده است. لذا فقها، بحث های کامل و جامعی که در سایر موارد فقهی مطرح نمودند، فقط به صورت پراکنده و در بعضی از فروعات، در مورد حبس مطرح کرده اند. دامنه تحقیقاتی پژوهش پیرامون مساله حبس، در زمینه ها و ابعاد مختلف، از سابقه زیادی برخوردار نیست و یکی از مسایل مرتبط و کمتر پرداخته شده پیرامون مساله حبس، اشاره به برقراری رابطه متناسب میان فرآیند صدور و اجرای کیفر حبس در حوزه جرایم تعزیری (باتوجه به اصول حقوق کیفری) و نهاد خانواده (با توجه به سیاست های مقام معظم رهبری) می باشد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. در پژوهش حاضر، سعی شد رویکرد خانواده محور بر فرآیند تقنین، صدور و اجرای حکم حبس مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مشخص شد که یکی از مهم ترین دلایلی که موافقان حبس زدایی و استفاده از مجازات های جایگزین حبس ارائه کرده اند، تأثیرات مخرب و ناگواری است که صدور و اجرای حکم حبس نسبت به خانواده فرد محکوم علیه به دنبال دارد با وجود اینکه سیاست حبس زدایی هم در اسناد بالادستی و هم در قوانین عادی مورد توجه بوده است، نگارش برخی از مقررات کیفری در کشور ما به نحوی بوده است که این هدف به طور کامل تأمین نمی شود و برعکس موجب ازدیاد جمعیت کیفری می شود.

کلمات کلیدی: مجازات های جایگزین حبس، رویکرد خانواده محور، سیاست حبس زدایی، جایگاه نهاد خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

* نویسنده مسئول: mahdavicani@gmail.com

آثار متفاوتی بودند ولی این تقسیم‌بندی‌ها و آثار آن‌ها در حال حاضر منسوخ شده است.

در نظام قانونی ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷، دو اصطلاح حبس تعزیری و بازدارنده در قوانین جزایی بیش از همه خودنمایی کرد. این دو عنوان در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ (منسوخ و دیگر قوانین کیفری از آن) و برخی مواد اضافه شده به آن تحت عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی بکار رفته بود که اصطلاح دوم بعداً در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حذف شد. ولی علی‌رغم وجود کیفر حبس از نوع حدی و در برخی مواد قانونی - مثال ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ - عنوان حبس حدی در قانون به چشم نمی‌خورد و در آیین‌نامه زندان‌ها نیز برای حبس حدی از هر نظر تابع مقررات حدود است اما از لحاظ ماهیت کیفری و شیوه اعمال آن تفاوتی با سایر انواع حبس - یعنی تعزیری - ندارد. بنابراین، برخلاف گذشته و آنچه که ممکن است در بادی امر از این تفکیک به نظر برسد، تنها یک تفاوت از لحاظ قانونی (حقوقی) می‌توان بین حبس تعزیری و غیر آن یافت که آن هم انحصار به حبس ندارد و آن مسأله مرور زمان است که آن هم در حال حاضر با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد حبس بازدارنده از بین رفته و حبس تعزیری جای آن را گرفته است، چون حبس حدی مثل سایر کیفرهای حدی مرور زمان ندارد.

جایگاه حبس در سیاست جنایی اسلام سیاست جنایی را می‌توان به مجموعه اصول و موازین و سازوکارها که هر نظام حکومتی برای پیشگیری غیر کیفری از جرم و بزهکاری و نیز مقابله کیفری با جرم و بزهکاری به کار می‌بندد، تعریف نمود. (۷) دین اسلام نیز به مثابه یک منظومه منجسم از اصول و قواعد و راهکارها به منظور شناسایی و اجرای کیفرها، دارای یک سیاست جنایی خاص خود است و بدین ترتیب، به ضرت قاطع می‌توان از وجود سیاست جنایی اسلام یا سیاست جنایی اسلامی سخن گفت. (۱۰) مبانی این سیاست جنایی را منابع احکام اسلامی شکل داده اند که در درجه اول، فرامین و اوامر و نواهی شارع مقدس مندرج در قرآن کریم و سپس، دستورات صادره در روایات واصله از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، در این زمینه قابل بررسی هستند. از سوی دیگر، دیگر منابع استنباط احکام یعنی عقل و اجماع نیز به نوبه خود می‌توانند در شکل‌گیری و ساخت بندی سیاست جنایی اسلام، موثر باشند. (۱۱)

بدین ترتیب، سخن از سیاست جنایی اسلام و اینکه اسلام نیز به ذات خود، دارای یک سیاست جنایی عمومی راجع به کلیت جرائم و بزهکاری‌ها و یک سیاست جنایی خاص در مورد کیفر حبس است، هرگز سخن گزافی نیست. سیاست جنایی اسلام، مبتنی بر وحی‌انیت و احکام صادره و واصله از سوی خداوند و در عین حال، ریشه دار در عقلانیت بشری است و به نظر می‌رسد همان قاعده ملازمه شرع و عقل (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل)، در اینجا نیز مطرح است. بدین

جامعه بار می‌کند و همچنین عدم کارایی آن، باعث مطرح شدن ضمانت اجراهای جایگزین حبس در نظام کیفری می‌باشد تا بهتر بتواند اهداف مجازات را برآورده سازد و از جمله موجبات اصلاح و بازپروری مجرم را فراهم آورد.

بنابراین با وجود جمیع آثار نامطلوبی که کیفر حبس برای هریک از اعضای خانواده که شامل مرد وزن و فرزندان است، بار می‌کند، رویکرد پژوهش حاضر، برقراری رابطه متناسب میان فرآیند صدور و اجرای کیفر حبس در حوزه جرایم تعزیری (باتوجه به اصول حقوق کیفری) و نهاد خانواده (با توجه به سیاست‌های مقام معظم رهبری) می‌باشد. در واقع، مسأله اصلی در این پژوهش، آن بود که فرآیند تنقین، صدور و اجرای حکم حبس، چه تأثیری می‌تواند از خانواده محکوم علیه بگیرد و در عین حال، صدور و اجرای حکم حبس، چه آثاری می‌تواند بر خانواده محکوم علیه به بار آورد؟ در واقع، در این پژوهش، بر روی این موضوع بحث شد که اساساً جایگاه نهاد خانواده فرد مرتکب جرم در صدور و اجرای حکم حبس نسبت به وی چیست؟

جایگاه کیفر حبس در نظام حقوقی ایران

زندان و بازداشتگاه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تعریف نشده‌اند ولی محلی که متهمین نگهداری می‌شوند معمولاً بازداشتگاه یا توقیف‌گاه نامیده می‌شود و زندان محل نگهداری محکومین به حبس است. این تفکیک در تعریف مندرج در ماده ۳ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۳۷۲ رعایت نشده بود و زندان را محلی نامید که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی مقام قضایی موقتاً یا برای مدت معین و یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌های اجتماعی و تحمل کیفر، نگهداری می‌شوند. بدین طریق به نظر می‌رسد که در ماده ۳ آیین‌نامه سال ۷۲ مقامات مربوطه زندان به معنی عام کلمه یعنی هر محل محصور برای نگهداری محکومین یا متهمین را مدنظر داشته‌اند. در حالی که علی‌الاصول زندان به معنی اخص کلمه به محل نگهداری کسی اطلاق می‌شود که به علت ارتکاب جرمی محکوم به تحمل مدتی حبس شده باشد.

محکومیت به کیفر حبس علاوه بر ماهیت کیفری دارای قالب و آثار حقوقی نیز هست که به دلیل مشکل بودن تفکیک آن‌ها از یکدیگر از روی مسامحه به آن ماهیت گفته شد. این جنبه از کیفر حبس در واقع امری اعتباری است که به دلیل اهمیت آثار حاکم بر آن بدین شکل مورد تعبیر قرار می‌گیرد. در اینجا به ماهیت حقوقی زندان‌ها در نظام حقوقی قبل از انقلاب و آثار آن اشاره نمی‌شود و به ذکر این مطلب اکتفا می‌گردد که در برهه‌ای از زمان، مقنن از عناوینی مثل حبس جنایی درجه یک و دو، حبس مجرد، زندان جنحه‌ای، خلاقی، تأدیبی و تکدیبری (جهت اطلاع بیشتر، بنگرید به: به مواد ۸ و ۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ با اصلاحات بعدی در سال ۱۳۵۲)، و امثال این‌ها استفاده نموده بود که نه تنها هر کدام از لحاظ نظام حاکم بر زندان محل اقامت فرد و نحوه برخورداری وی از تسهیلات و امتیازاتی همچون مرخصی، ملاقات و عفو بلکه از نظر آثار حقوقی و محرومیت‌های اجتماعی نیز دارای

خداش وارد می شود و این عمل مجازات را از حالت شخصی بودن خارج می کند.

توجه به آثار حبس محکوم علیه بر خانواده وی در سیاست جنایی اسلام

نقل شده که فردی را به ارتکاب سرقت، نزد پیامبر اکرم (ص) آوردند. حضرت، چند و چون وقوع جرم را از او جویا شدند. وی مدعی شد که مدتی است بیکار شده و معاشی برای خانواده اش ندارد. فرزندانش بیمار هستند و هیچ راهی جز ارتکاب سرقت نداشته است. حضرت، فردی را مأمور بررسی صحت و سقم ادعای وی کردند و پس از آنکه ادعای او به اثبات رسید، مالباخته را نزد خود خواندند. به وی گفتند اختیار امر با توست. از فلانی می گذری یا حد را می خواهی؟ وی که از یک سو، از وضعیت سارق آگاه شده بود و از سوی دیگر، در پیشگاه رسول خدا شرم داشت تقاضای اجرای حد کند، اعلام کرد که از اجرای حد منصرف شده است لیکن برای آنکه درس عبرتی برای او و دیگران باشد، او را برای مدتی به زندان افکندند. پیامبر اکرم در پاسخ او فرمودند تو می توانی در مورد حد تصمیم بگیری و خداوند، صرفاً این اختیار را به تو بخشیده است. آنگاه حضرت اعلام کردند که به زندان افکندن وی، مشقات خانواده وی را بیشتر می کند. آنگاه دستور دادند کسب و کاری برای آن فرد مهیا شود و او مکلف به جبران خسارت از مالباخته شود. (۱۵)

نظیر همین قضیه، در زمان حکومت امام علی (ع) وارد شده است. نقل است که فردی را به اتهام تخریب اموال مردم در بازار کوفه نزد ایشان آوردند. حضرت، دلیل این کار را از وی جویا شدند. وی اعلام کرد که مدتی است بیکار است و نمی تواند از عهده انفاق همسر و فرزندانش برآید. لاجرم، برای آنکه دستگیر شود و حکومت، عهده دار تکفل او در زندان و نیز خانواده او گردد، به این کار مبادرت ورزیده است. حضرت، پس از آنکه فردی را مأمور بررسی ادعای آن فرد در مورد وضعیت معاش و خانواده وی کردند و این ادعا به اثبات رسید، ضمن تقییح کار وی، خطاب به وی اعلام کردند که «عسر و حرج در تأمین معاش خانواده، دلیل بر ارتکاب معاصی نیست. وانگهی، به زندان افکندن تو، خانواده ات را از آنچه به آن گرفتار هستند، در مضیقه بیشتر قرار می دهد.» آنگاه دستور دادند معاشی برای وی در نظر گرفته شود و بلافاصله وی از عهده خسارات وارده به کسبه بازار برآید.

اشاره به این دو مورد، خود، گویای توجه به وضعیت خانوادگی فرد در صدور و اجرای حکم حبس نسبت به خانواده وی، در نظرگاه پیشوایان دینی ما است. ناگفته پیداست که رهبر جامعه اسلامی در آن زمان، به خوبی و به وضوح نسبت به آثار و تبعاتی که اجرای کیفر حبس نسبت به خانواده محکوم علیه دارد، توجه داشته است و اساساً به دلیل حمایت از خانواده وی و عدم تحمیل مشقت ها و سختی های بیشتر بر آن، به اجرای حبس، با دید تردید نگرسته است.

در تأکید بارز دیگری، در ماده ۴۳ این قانون و در راستای تعویق مراقبتی به عنوان یکی دیگر از نهادهای ارفاقی ناظر بر اجرای مجازات ها در نظام حقوقی کشور ما، قانونگذار به لحاظ وضعیت

ترتیب، سیاست جنایی اسلام، ضمن توجه به پیشگیری از جرم و بزهکاری و اولویت قائل شدن برای این امر، در صدد است تا مناسب ترین و کارآمدترین پاسخ و ضمانت اجرا را نسبت به رفتار مجرمانه ارتکابی در نظر گیرد. اساساً تعیین ضمانت اجراها و واکنش ها و کیفرها در سیاست جنایی اسلام، به قدری اهمیت دارد که مسأله قضا و پرداختن به آن و اینکه قاضی باید چه ویژگی هایی داشته باشد هم در ادبیات اسلامی و به ویژه در فقه امامیه، از اهمیت و جایگاه خاص و قابل توجهی برخوردار است.

ابعاد تأثیرپذیری نهاد خانواده از کیفر حبس محکوم علیه

یک بعد عمده مورد توجه در تجزیه و تحلیل کیفر حبس به ویژه در گفتمان ها و رویکردهای جدید متأثر از دانش جرم شناسی و کیفرشناسی، این بوده است که اجرای ضمانت اجراهای کیفری با محوریت حبس و بازداشت، هزینه های سرسام آوری برای نظام های عدالت کیفری در پی دارد. از جمله دلایل گرایش نظام های عدالت کیفری به شناسایی و اجرای جایگزین های حبس، صرفه جویی در همین هزینه ها و مخارج بوده است. (۱۲)

به دنبال شکست جرم شناسی اصلاح و درمان و جرم زا بودن زندان، هزینه های اقتصادی زیاد آن و تراکم جمعیت کیفری زندان و غیره، زمینه هایی در جهت بازاندیشی مجازات حبس از سوی کشورهای مختلف و به دنبال آن ها نهادهای بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد (به عنوان مثال، مقررات توکیو) و شورای اروپا انجام شده است. که در مورد حبس سعی شده است از آن به عنوان آخرین حربه استفاده شود و نیز به تدریج جایگزین های آن توسعه یافتند. (۱۳)

در توجیه ایده مجازات های جایگزین حبس، گفته شده است که عدالت کیفری مبتنی بر مدیریت ریسک جرم، به رغم پیش بینی پاسخ های طردکننده و ناتوان ساز برای مجرمان پرخطر هم چون حبس های طولانی مدت، برای مجرمانی که خطرناکی کم تری از خود نشان داده بودند، مجازات های جایگزین زندان در بستر جامعه و با محتوای نظارتی را در نظر گرفته است. با اجرای این مجازات ها، از یک سو هزینه های نگهداری مجرمان کم خطر بر دوش نظام عدالت کیفری دیگر سنگینی نمی کند و از سوی دیگر، توان عدالت کیفری برای برخورد با مجرمان پرخطر محفوظ خواهد ماند. (۱۲)

اما بعد مهم دیگری از تأثیرگذاری کیفر حبس، در ارتباط با خانواده فرد محکوم به حبس جلوه گر می شود. در واقع، خانواده فرد محکوم به حبس، از نخستین نهادهایی است که به شدت از اجرای این مجازات، تأثیر و آسیب می بیند و همین امر، امروزه موجب شده در کارکردهای مثبت مجازات حبس، به شدت و به وضوح تردید ایجاد شود و بدین ترتیب، راهکارها و سازوکارهای جایگزین حبس پیشنهاد شوند تا از این طریق، خانواده فرد محکوم به حبس نیز کمترین آسیب را از اجرای مجازات علیه وی متحمل شوند. (۱۴)

با اینکه اصل بر این است که مجازاتها تنها بر شخص مجرم تحمیل شود و بر این مبنا، کیفر حبس اگرچه ظاهراً بر خود زندانی تحمیل می شود اما باید گفت که زندانی شدن مجرم، بی شک، به شکل غیرمستقیم، آثار زیانبار مالی، معنوی، فکری و روحی را برای خانواده زندانی به بار می آورد و در نتیجه به اصل شخصی بودن

عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» در مواد ۶۴ الی ۸۷ آورده شده است.

ماده ۶۴ قانون مذکور مجازات‌های جایگزین حبس را شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی می‌داند که با توجه به نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف تعیین و اجرا می‌شود. اما مجازات‌های جانسین حبس تنها راه حل مسأله و مشکل جمعیت زندانی نیست زیرا در قانون جدید این راه کار ارائه شده در مواد مرتبط شامل همه زندانیان نمی‌شود و فقط بخشی از جمعیت زندان‌ها یعنی محکومین واقعی به کیفر زندان را کاهش می‌دهد حال آن که افراد مختلفی در زندان‌های کنونی ایران نگاه‌داری می‌شوند.

مجازات‌های جایگزین حبس اگر درست اجرا شود باید منجر به یک زندان‌زدایی واقعی و مستمر شود تا توسل و اجرای آن بی‌فایده نباشد و اگر روش‌های جایگزین زندان موفق نشوند نه تنها باعث افزایش مجرمین می‌شود بلکه سرمایه‌گذاری‌های مالی و انسانی نیز از بین می‌رود و تنها حاصلی که برای کشور باقی می‌ماند نظام جزایی پرهزینه است.

قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹

با اینکه قضاوت کلی بسیاری از حقوقدانان در کشور ما، مثبت بودن رویکرد مبتنی بر درجه بندی حبس‌های تعزیری بوده و لذا اکثراً در مقام دفاع از این رویکرد برآمده‌اند، لیکن قانونگذار در سال ۱۳۹۹، قانونی تحت عنوان قانون کاهش حبس‌های تعزیری به تصویب رسانید و رویکرد کلی خود در این قانون را همانگونه که از نام و عنوان این قانون نیز برمی‌آید، کاهش میزان حبس‌های تعزیری برگزید. سیاست کاهش میزان حبس‌های تعزیری را باید مقوله‌ای در راستا و به دنبال سیاست حبس‌زدایی و تعیین و اجرای جایگزین‌های حبس قلمداد کرد. در واقع، گویا قانونگذار به تغییر در ماهیت و یا نحوه اجرای مجازات حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بسنده نکرده و درباره میزان این مجازات نیز خواسته است تحولاتی ایجاد نماید.

کاستی‌های قانون کاهش حبس‌های تعزیری

به نظر می‌رسد متأسفانه، جنبه‌های منفی و مضر قانون کاهش حبس‌های تعزیری از ابعاد مثبت و قابل دفاع آن بیشتر است. از جمله اینکه عنوان قانون، در مواردی، انطباقی با متن آن ندارد مثلاً در مجازات بزه توهین به اشخاص عادی، با تشدید مجازات مواجه هستیم نه کاهش مجازات. در مواردی نیز شاهد توسعه دامنه جرایم قابل گذشت و در مواردی نیز محدوده اختیارات دادگاه، در اعمال مجازات‌های تکمیلی گسترش پیدا کرده است. از سوی دیگر، برخی از الزامات در قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری بر خلاف اصول شناخته شده حقوق کیفری است. الزام قضاوت به تعیین حداقل مجازات حبس برای مجرمین و تأکید بر تعیین مجازات به بیش از حداقل با ذکر دلیل، با اصل فردی کردن مجازات در تعارض است و مبنای علمی ندارد و از طرفی دفاع جامعه در قبال بزه و بزه‌کاران را با چالش مواجه کند.

خانوادگی فرد محکوم علیه، اشاره و توجه شده است و در بیان شروط و شرایط اجرای تعویق مراقبتی، به این امر اشاره کرده است که اجرای تعویق مراقبتی می‌تواند صورت گیرد «به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند»

همچنین در ماده ۵۷ این قانون، در مقام اجرای نظام نیمه آزادی به عنوان یکی از مهم‌ترین جایگزین‌های حبس در نظام حقوقی کشور ما، تعهد فرد محکوم علیه به «مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی» را یکی از شروط اجرای این جایگزین حبس اعلام کرده است.

بعلاوه، در تبصره ۴ ماده ۸۴ در بیان احکام و مقررات راجع به انجام خدمات عمومی عام المنفعه به عنوان یکی دیگر از جایگزین‌های حبس، مقرر نموده است: «قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.» در این تبصره، قانونگذار به دادگاه این اجازه را داده که اگر ملاحظه کرد، اجرای مجازات، فرد را دچار معذوریت‌های خانوادگی می‌کند، از اجرای مجازات صرف‌نظر کرده و راهکار دیگری را به اجرا گذارد.

مجازات‌های جایگزین حبس

آثار زیان‌بار زندان عبارت بود از: هزینه‌های هنگفت جهت نگاه‌داری از زندانیان، زیاد شدن جرایم به ویژه تکرار جرم، نابودی شخصیت و فساد اخلاقی زندانیان در اکثر موارد، تنزل بهداشت جسمانی و اخلاقی در محیط زندان، محروم شدن جامعه از نیروی کار مجرمین، غیرقابل برگشت بودن حکم‌های اشتباهی که صادر شده خصوصاً در احیاء عمر از دست رفته شخص، هماهنگ نبودن مجازات زندان با اصل شخصی بودن کیفرها زیرا آثار سوء کیفر زندان بر خانواده فرد هم مرتب می‌شود و خیلی اشکالات و معایب دیگر هم که با اجرای مجازات حبس نمایان می‌شود. به دلیل همین اثرات سوء و مخرب زندان، جنبش‌های حبس‌زدایی در سطح بین‌المللی شکل گرفت و مجازات زندان زیر سؤال رفت.

در ایران هم چند سالی است که جنبش حبس‌زدایی و حداقل‌گرایی در کیفر حبس، اول در محافل دانشگاهی شروع و بعد هم تبدیل به یک جنبش قضایی شد. مستند آن هم ماده ۲۲ قانون سابق است که در آن بیان شده بود که دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل کند اما به نحوه و چگونگی تبدیل اشاره نکرده بود. سرانجام این تحولات و نگرش‌ها باعث شد که قانون‌گذار در فصل یازدهم برنامه چهارم توسعه که مربوط به توسعه امور قضایی است با آوردن بند ب ماده ۱۳۰، قوه قضاییه را تکلیف کرد که به منظور بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمین در جامعه و ایجاد تناسب بیشتر میان جرم، مجازات و شخصیت مجرم لایحه جایگزین‌های مجازات حبس را تهیه و ارائه کند.

لایحه مذکور در سال ۱۳۸۴ با عنوان «لایحه مجازات‌های اجتماعی» تدوین شد و به مجلس شورای اسلامی برای تصویب فرستاده شد پس از مدت‌ها سکوت طولانی و سپس بررسی و بحث، نهایتاً این لایحه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ادغام شد و ذیل فصل نهم تحت

حمایت از اطفال و زوجه، از جمله مهم ترین نوآوری ها و ابتکارات به کار رفته در قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است. قانونگذار با اینکه در این قانون، می خواسته است اشکالات قوانین قبلی حمایت از خانواده را در نظام حقوقی کشور برطرف نماید، ولی از حیث حبس زدایی، چندان موفق نبوده است و در مقررات کیفری خود، به دفعات، این مجازات را به عنوان کیفر رفتارهای ارتكابی تعیین کرده است. در مواد ۴۹ تا ۵۶ این قانون که در زیرمجموعه مقررات کیفری این قانون به تصویب رسیده اند، موارد متعددی از تعیین کیفر حبس را شاهد هستیم و بدین ترتیب، این قانون از ایده حبس زدایی و کاهش موارد تعیین مجازات حبس برای رفتارهای ارتكابی، به وضوح فاصله گرفته است.

البته شاید گفته شود که اهمیت رفتارهای مجرمانه ارتكابی در قبال ارزش های مورد حمایت در مورد نهاد خانواده، اقتضا می کند که مجازات مهمی نظیر حبس نسبت به مرتکبان تعیین شده و به اجرا درآید ولی به نظر می رسد آموزه حبس زدایی و کاهش موارد تعیین مجازات زندان، در مورد رفتارهای مجرمانه مرتبط با نهاد خانواده مندرج در قانون مورد اشاره نیز می تواند مبنای اقدام قانونگذار قرار گیرد.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، نشانه هایی از پذیرش سیاست کیفری افتراقی در برخورد با جرایم علیه اطفال در حقوق کیفری ایران، نمایان گردید. قانونی که بر خلاف عنوان کلی آن فقط با جرم انگاری برخی رفتارهای خاص درصدد حمایت کیفری ویژه اطفال بر آمده است. با نگاهی به مباحث مطرح شده در جریان تصویب این قانون، مشخص می شود که قانونگذار در تصویب آن بیش از هر چیز از جامعه مدنی، تعهدات بین المللی ایران به ویژه کنوانسیون حقوق کودک، واقعیتها و یافته های روانشناختی، جرم شناختی و بزه دیده شناختی، تاثیر پذیرفته است.

این قانون، قانونی است که با پایه ریزی اولیه حقوق کیفری اطفال بزه دیده در ایران برای اولین بار اصطلاح کودک آزاری را وارد ادبیات حقوق کیفری ایران کرد و سن بزه دیدگی را همگام با یافته های علمی و کنوانسیون حقوق کودک هجده سال تعیین نمود. جرم انگاری اعمالی نظیر: هرگونه صدمه، اذیت، آزار، شکنجه جسمی و روحی کودکان، نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، ممانعت از تحصیل آنها، هرگونه خرید، فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتكاب اعمال خلاف، از نوآوریهای قانون یاد شده به شمار می آید. قانونی که با جنبه عمومی دادن به کودک آزاری و جرم انگاری در راستای اجباری نمودن گزارش دهی موارد کودک آزاری، بارقه های امیدی از شکل گیری نظام دادرسی خاص اطفال بزه دیده را همچنین نوید می دهد.

مصوبات فروتقنینی

ذیل این عنوان، به طور خاص، می توان به دستورالعمل هایی اشاره کرد که در سطح قوه قضاییه و از سوی ریاست عالی این قوه برای اجرا در محاکم و دادسراهای کشور به منظور کاهش جمعیت زندان ها و کاهش موارد استفاده از مجازات حبس به تصویب رسیده اند. در این میان، دو دستورالعمل، به صورت خاص به این منظور به

از سوی دیگر، این قانون، حکمی شدیدتر نسبت به گذشته هم دارد و آن توسعه قلمرو مجازات تکمیلی است، زیرا این امر بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مجازات تعزیری درجه یک تا شش امکان پذیر است، در حالی که قانون جدید اجازه صدور حکم به آن ها در مجازات تعزیری درجه هفت و هشت را هم می دهد.

در نگاه اول سه انتقاد به مقنن وارد است؛

اول اینکه می توانست در یک گام حقوق بشری همه مجازات های شلاق تعزیری را تبدیل به جزای نقدی یا جایگزین حبس کند که جای خالی آن احساس می شود و شایسته است در اصلاحیه های بعدی نسبت به لغو مجازات شلاق تعزیری، نمایندگان مجلس یازدهم تصمیم شایسته و بایسته اتخاذ کنند.

دوم اینکه مقنن باید نصاب مقرر در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی را از یک میلیارد ریال به ۱۰ میلیارد ریال افزایش می داد؛ چراکه با توجه به میزان تورم و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه تعداد محکومان به کلاهبرداری یا جرائم در حکم کلاهبرداری با میزان عواید مجرمانه کمتر از یک میلیارد ریال بسیار قلیل است؛ پس بهتر این است که در ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی این اختیار به وزیر دادگستری داده می شد تا درباره نصاب مقرر در ماده ۳۶ یا ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز هر سه سال یک بار تصمیم گیری می کرد.

سوم اینکه درباره کاهش مجازات جرم آدم ربایی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری گفته است در صورتی که ارتكاب جرم به عنف یا تهدید باشد، به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنجم منجر می شود؛ انتقاد وارد شده به مقنن در خصوص بزه دیدگان خاص مثلاً افراد کمتر از ۱۸ سال یا معلولان جسمی یا ذهنی و سالمندان یا بانوان دارای شرایط خاص مثلاً باردار است که این سبیل های خاص مجرمانه دیده نشده اند و مقنن باید در زمان اعطای نهادهای ارفاقی با چشم بسته عمل نکند و نگاهی جامع تر به تدابیر اتخاذی خود داشته باشد که مجبور نشود چند سال بعد قانون لغو یک قانون دیگر را تصویب کند.

قانون حمایت خانواده(اصلاحی ۱۳۹۱)

سیاست جنایی در هر کشوری از جمله کشور ما در رابطه با نهاد خانواده، می تواند به طور مرسوم، در سه سطح تقنینی، اجرایی و قضایی به اجرا درآید. طبقاً تدوین و اجرای سیاست جنایی راجع به نهاد خانواده در کشور ما اهداف مهمی را در نظر دارد که صیانت از بنیان خانواده و برخورد و واکنش قانونی لازم در برابر مظاهر و موارد قانون شکنی در این نهاد، از جمله مهم ترین این اهداف است. قانونگذار کشور ما با تصویب قانون جدید حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ و اصلاح رویکردها و رویه های اشتباه قبلی در این قانون، سعی کرده است حمایت قوی تری از نهاد خانواده به عمل آورد و سیاست جنایی سنجیده تر و بخردانه تری در برابر مظاهر و موارد قانون شکنی مرتبط با نهاد خانواده در پیش گیرد. پیش بینی جرائم جدید، اصلاح و به روزرسانی کیفرهای قبلی در برخی جرائم، پیش بینی مراجع و نهادهای ذیصلاح به ورود در امور خانواده و نیز اتخاذ رویکردهای جدید و نوآورانه در برخی مسائل خاص از جمله

به دلیل وجود و اثرگذاری این قبیل هزینه ها، اینک می توان در کارکردهایی که به طور سنتی در مورد زندان مطرح بوده اند، تردید نمود و به سوی جایگزین های مجازات حبس گام برداشت. ابعاد تأثیرپذیری خانواده فرد محکوم به حبس از اجرای این مجازات را می توان به ویژه در دو بعد اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

امروزه، یکی از مهم ترین و اصلی ترین انتقاداتی که مجازات زندان وارد می شود، این است که این مجازات در فرضی که نسبت به والدین به اجرا درمی آید، می تواند به شدت نسبت به فرزندان والدین ناگوار و مخرب باشد و کارکردهای مثبت خانواده در حمایت و نظارت نسبت همه جانبه نسبت به فرزندان را به شدت کاهش دهد و بدین ترتیب، حتی زمینه برای افزایش احتمال بزهکاری و کجروی و انحراف رفتاری در فرزندان را فراهم نماید. در میان هزینه ها و معایب مختلفی که برای مجازات زندان به ویژه در فرضی که والدین به این مجازات محکوم شده اند، هزینه های عاطفی و هزینه های اقتصادی و معیشتی نسبت به خانواده، بیش از هر مسأله دیگری حائز اهمیت هستند.

در خصوص تعریف جرم شناسی انتقادی میان جرم شناسان اتفاق نظر وجود ندارد؛ لیکن از جمله تعاریف مشهور از جرم شناسی انتقادی، تعریف *Jock young* است. او جرم شناسی انتقادی را چنین تعریف می کند: «دیدگاهی که در آن علت عمده ارتکاب جرم در رابطه های نابرابر طبقاتی، نژادی، قومی و جنسیتی جستجو می شود.» این جرم شناسی پیش فرضها و نظریه های جرم شناسی تحقیقی را رد و رویکرد مطالعاتی خود را در زمینه بزهکاری را، بر نظام سیاسی و نظام اقتصادی حاکم و به ویژه ساختار قانون گذاری و عدالت کیفری متمرکز می کند.

جرم شناسی انتقادی، به طور کلی، بر این عقیده است که مطالعات و تحقیقات جرم شناسی با یک رویکرد مضیق، به طور عمده بر مجرمان و محیط های شخصی آنان، نه بر بزهکاری بنگاهها و نهادهای رسمی و نیز جرایم خیابانی یعنی جرائم ارتكابی توسط یقه سفیدها، آمار جنایی (که به لحاظ وجود رقم سیاه اعتبار علمی بالایی ندارند و بنابراین نتایج مطالعات آماری بزهکاری قابل تسری به عموم بزهکاران نیست) و سر انجام بر مدیریت و مهندسی اجتماعی دولت برای کنترل جرم متمرکز است و از بررسی تأثیر خود دولت، صاحبان قدرت، عدالت کیفری و نظام اقتصادی و فرهنگی حاکم بر انحراف های اجتماعی از جمله بزهکاری، غافل می ماند.

در واقع جرم شناسان انتقادی نهادهای و قوانین را جرم زا می دانند، از منظر ایشان جرم محصول کشاکش میان دارندگان قدرت از یکسو و بی قدرتان از سوی دیگر است. همچنین از منظر جرم شناسی انتقادی شرایط اجتماعی عامل تولید جرم می باشند و تا این شرایط تغییر نکنند، نمی توان مسائل مرتبط با جرایم را حل کرد.

از نظر محکومین جرم شناس مشکلات مرتبط با مجازات زندان در دو حوزه قابل تحلیل و بررسی می باشد. این دو حوزه عبارتند از: ۱- معایب ساختاری مجازات زندان و ۲- مشکلات مرتبط با چگونگی مدیریت و نحوه اعمال مجازات زندان.

تصویب رسیده اند که مفاد آن ها در ادامه بررسی می شود؛ اول، «دستورالعمل ناظر بر کاهش جمعیت کیفری زندان ها» که توسط آیت الله آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضاییه در خرداد ۱۳۹۵ به تصویب رسید و دوم، «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها» که در شهریور ۱۳۹۸ و توسط رئیس فعلی قوه آیت الله رئیسی مصوب شده است.

دستورالعمل اول در ۲۹ ماده و ۲۱ تبصره و با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار با مسئولان قضائی کشور مورخ ۱۳۹۱/۴/۷ در مشهد مقدس درباره کاهش مجازات زندان و تبدیل به مجازات های دیگر، همچنین بند دوازدهم سیاست های کلی قضایی (مصوب مقام معظم رهبری) و در راستای اعمال سیاست های کلان دستگاه قضایی در زمینه حبس زدائی و با توجه به ناکارآمدی زندان به ویژه حبس های کوتاه مدت در زمینه بازدارندگی و اصلاح بزهکاران، به لحاظ طرد و کنار گذاشتن مجرم از اجتماع و آشنا ساختن وی با فرهنگ زندان و نیز وجود مشکلات عدیده اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در زندان ها به دلیل افزایش جمعیت کیفری و همچنین به منظور بهره گیری بهینه از مجازات زندان و استفاده از مجازات های جایگزین در جهت کاستن از ضررها و آسیب های جدی زندان به افراد و خانواده زندانیان و جامعه و ضرورت اتخاذ تدابیر در فرآیند مختلف قضایی اعم از مرحله قبل از وقوع جرم، رسیدگی در دادسرا و اخذ تأمین، صدور حکم به مجازات، نحوه اجرای احکام به ویژه توجه به مرحله اجرای مجازات حبس، به تصویب رسیده است و بدین ترتیب، مشخص است که در زمان ریاست آیت الله آملی، مسئولان عالی قضایی به لزوم حبس زدایی و کاهش موارد تعیین و اجرای مجازات حبس واقف بوده اند.

از سوی دیگر، دستورالعمل دوم، در ۲۹ ماده و ۲۳ تبصره، در اجرای بند ۶۴ سیاست های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در زمینه حبس زدایی مصوب و از سوی رئیس فعلی قوه قضاییه برای اجرا به دادگستری های سراسر کشور ابلاغ شده است و لذا در دوره ریاست ایشان نیز تفکر حبس زدایی و کاهش موارد تعیین و صدور مجازات حبس، مبنای تصمیمات بالادستی قضایی است.

آسیب شناسی کیفر حبس بر نهاد خانواده
 تردید در کارکردهای سنتی حبس با تأکید بر نهاد خانواده
 اساساً یکی از مهم ترین نقدهای وارد بر مجازات زندان، آثار سوئی است که برای خانواده فرد زندانی به همراه دارد. این قبیل آسیب ها در ادبیات جرم شناسی و کیفرشناسی امروزی، تحت عنوان «هزینه های عاطفی زندان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. در عین حال، علاوه بر هزینه های عاطفی، اصولاً فقدان یا عدم حضور والدین به ویژه در خانواده های ایرانی که فرزندان، معمولاً استقلال مالی ندارند و تحت تکفل والدین خود هستند، هزینه های اقتصادی و معیشتی نیز برای اعضای خانواده و فرزندان به دنبال دارد. بنابراین، به هیچ وجه نمی توان از ابعاد مضر و مخرب اقتصادی مجازات زندان نیز چشم پوشید.

و عاطفه در دل زندانی آزاد شده به وجود آید و هرچه بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد.

همچنین زندانی شدن شخص موجب ایجاد مشکلات اقتصادی، ارتباطی، حیثیتی، تحصیلی و شغلی برای خانواده و فرزندان آنها می‌گردد. در تمامی کشورها تقریباً بیشتر خانواده‌های زندانیان با مشکلات مالی مواجه هستند. محکومین جرم شناس بیان می‌کنند که برای بسیاری از خانواده‌ها زندان به معنی از دست دادن منبع درآمد مالی آنها است خواه این منبع درآمد قانونی باشد و خواه غیر قانونی باشد. بسیاری از خانواده‌های زندانیان بر اثر فشارهای اقتصادی ناشی از زندانی شدن سرپرست خانواده دچار مشکلات اقتصادی می‌گردند. بیکاری، نداشتن منبع درآمد، نداشتن مسکن و یا پرداخت اجاره مسکن از جمله مشکلاتی است که خانواده‌های زندانیان با آن روبرو هستند.

۲. بهره برداری از کارکردهای نهاد خانواده در اجرای جایگزین های حبس

جایگزین های حبس که حتی می‌توانند از طریق حفظ ارتباط مستمر مرتکب جرم با اعضای خانواده اش به اجرا درآیند و حتی می‌توانند در محیط خانه و در کنار اعضای خانواده وی اعمال شوند، طبیعتاً بسیار بهتر از مجازات زندان می‌توانند ظاهر شوند. در حقیقت، این ادعا که می‌توان مجازات‌ها را به شکلی غیر از نگهداری در محبس‌ها و زندان‌ها و بی‌آنکه نیاز به قطع ارتباط موقت یا دائم مجرم با اعضای خانواده اش باشد به اجرا درآیند، ادعای گزافی نیست و نگاه به تحولات تقنینی و اجرایی و قضایی در بسیاری از کشورها این ادعا را به اثبات رسانده است.

در حقیقت، طرح مفهوم جایگزین های حبس، از جمله مبتنی بر این مولفه است که می‌توان از کارکردهای نهاد خانواده برای اصلاح و درمان و بازپروری مجرم بهره برد. لذا بی‌آنکه نیازی به نگاهداری مجرم در محیط آلوده زندان باشد، می‌توان همچنان با حفظ ارتباط وی با خانواده اش، ضمانت اجرای قانونی را نسبت به وی به اجرا درآورد.

لذا علاوه بر کارکردهای حمایتی (مادی، اقتصادی، معیشتی و عاطفی، روانی) و اصلاحی که به طور کلی برای نهاد خانواده منظور است، در فرض اجرای جایگزین های حبس نسبت به فرد محکوم نیز خانواده وی می‌توانند به بهترین وجه، این کارکردها را جلوه گر سازند. اساساً اعتقاد کسانی که جایگزین های حبس را سازوکار بهتری از مجازات زندان برای اصلاح و درمان و بازپروری مجرم می‌دانند، این است که کنترل اجتماعی رفتارهای مرتکب جرم، فقط از طریق اجرای ضمانت اجرای رسمی (مجازات‌ها سزاگرا و سایر اقدامات به عمل آمده توسط قوای عمومی) به عمل نمی‌آید بلکه می‌توانند از طریق سازوکارهای غیر رسمی (نظیر خانواده، اجتماع، نهاد مدنی و ...) هم به اجرا درآیند.

۳. طرح مفهوم جایگزین های خانواده مدار حبس در حقوق کیفری مدرن

طرح ایده جایگزین های حبس از جمله با محوریت خانواده، موضوعی است که در طول تاریخ، تحولات مهمی را به خود دیده است. در حالیکه در قدیم، کیفر زندان، نه تنها به عنوان یک راهکار

معایب ساختاری ناظر به مشکلات و نقصان‌هایی است که مجازات زندان در نفس خود با آن مواجه است و به نوعی می‌توان این دسته از مشکلات و معایب را ذاتی مجازات زندان به حساب آورد و طبیعتاً به دلیل عجین بودن این معایب با مجازات زندان راه‌گزینی از آن نیست مگر با حذف زندان از زرادخانه کیفری و جایگزینی آن با انواع دیگری از مجازات‌ها که به مجازات‌های جایگزین زندان شهرت دارند.

محکومین جرم شناس مشکلات ساختاری مجازات زندان را در سه دسته کلی طبقه بندی می‌کنند که عبارتند از: ۱) هزینه‌های اقتصادی و عاطفی، ۲) پیامدهای ناگوار فرهنگی و ۳) شکست عملی مجازات‌های اجتماعی نظارتی مرتبط با مجازات زندان.

مجازات زندان بدون تأسیس فضایی محدود و محصور و بدون سلب آزادی از محکومان قابل تصور نیست. طبعاً از سویی تهیه زمین، احداث ساختمان، استخدام پرسنل، تأمین خدماتی نظیر آب، برق، تلفن، گاز شهری، غذا، پوشاک و ... برای زندانیان و در رابطه با زندان دربردارنده هزینه‌های سرسام آور برای شهروندان است و از طرف دیگر با زندانی شدن فرد محکوم، خانواده وی منبع و تکیه گاه اقتصادی خود را از دست می‌دهند و دچار تنگدستی و عسرت می‌شوند. در کنار این هزینه‌های اقتصادی نباید از این واقعیت چشم پوشاند که با زندانی شدن یک محکوم، این شخص از خانواده اش جدا می‌شود و در رابطه میان آنان اختلال ایجاد می‌شود؛ امری که می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های روانی به زندانی و خانواده وی شود.

از سوی دیگر در زندان ناگزیر شماری از محکومین برای مدتی کم و بیش طولانی در تمام مدت شبانه روز در مجاورت با هم به سپری کردن وقت مشغول می‌شوند، مسلماً چنین هم‌نشینی‌هایی به پدیداری خرده فرهنگ زندان منجر می‌شود، خرده فرهنگی که به دلیل محدودیت در زندان از یک سو و پیشینه و تجربه‌های محکومین از سوی دیگر در بردارنده ارزش‌ها و هنجارهایی است که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در تضاد قرار دارد. (۱۶)

اهمیت نهاد خانواده در طرح و تقویت مفهوم جایگزین های حبس

۱. جایگاه حمایت از خانواده محکوم در اجرای جایگزین های

حبس

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی مجازات حبس، متلاشی شدن کانون خانوادگی و تزلزل آن است. به زندان رفتن شخص مجرم در درجه اول، خانواده او را در بلاتکلیفی قرار می‌دهد، به ویژه هنگامی که زندانی، متأهل و دارای همسر و فرزند باشد، مشکلات زیادی برای همسر وی ایجاد می‌شود که در نهایت فشارهای وارده همسر محکوم را برای فرار از چنین وضعیتی، متوسل به طلاق می‌کند. این امر در مورد همسر زندانیانی که به حبس ابد و یا حبس های طولانی مدت محکوم شده اند، بیشتر شایع است. در واقع زندان، شالوده خانواده را سست کرده و در مرز فروپاشی و اضمحلال قرار می‌دهد. (۱۷) از سوی دیگر زندان موجب طرد اجتماعی زندانی می‌شود. درصد قابل توجهی از خانواده‌ها، اقوام، دوستان نسبت به مجرم آزاد شده بی‌اعتنا شده و هیچ تمایلی به معاشرت با وی از خود نشان نمی‌دهند. این امر سبب می‌شود که حس انتقام و کینه به جای عبرت

ثانوی بلکه به مثابه یک مجازات اصلی مطرح بوده، ولی به تدریج، این رویکرد، تحولات عمده و ریشه ای یافته است. به اختصار به نگرش مکاتب کیفری در خصوص استفاده از زندان خواهیم پرداخت.

بنیانگذاران مکتب کلاسیک بکارها، بتام و روسو هستند. بکارها با انتشار کتاب «جرائم و مجازات» در سال ۱۷۶۴ حقوق کیفری را تابع اصول و قاعده کرد و توسل به حقوق کیفری تابع اصل قانونی بودن شده بود دیگر از توسل خودسرانه و بی قید و شرط از حقوق کیفری جلوگیری کرد. این مکتب برای نحوه اجرای مجازات اهمیت بسیار قابل است و معتقد است که تشکیلات زندان باید مجرم را ضمن تحمل مجازات، تربیت کند. آنها از حبس بعنوان مجازات اصلی استفاده می کردند فقط دغدغه آنها اجرای بهتر و کارآمد آن بود.

بنیانگذاران این مکتب نئوکلاسیک، رسی، لیزر، ارتولان هستند. در آثار برخی از نویسندگان این مکتب راه حل هایی برای اجتناب از آثار زیان بار مجازات حبس دیده می شود که قبل از ذکر آنها باید گفت کیفر حبس در افکار بنیانگذاران این مکتب جای خاصی دارد آنها بهترین مجازات را حبس می دانند. یکی از اندیشه های مورد احترام این مکتب اصل فردی کردن کیفر است. در مورد جایگزین کردن مجازات برای حبس رسمی به کیفر نقدی یا جریمه اشاره کرده است که به نظر او جایگزین خوبی حداقل برای جرائم کم اهمیت است آنها اعتقادی به نقش تربیتی کیفر حبس کوتاه مدت نداشتند لذا به فکر جایگزین افتادند. (۱۸)

بنیانگذاران مکتب تحقیقی لمبروزو، انری کوفری، گاروفالو هستند. این مکتب ضمن استفاده از مجازات حبس در برخی موارد خواستار جایگزین شدند. دکتر رضا مظلومان می گویند مکتب تحقیقی به هیچ وجه با زندان نظر موافقی ندارد و آنرا غیراصولی و زیانبار می دارند (۱۹)

مکتب دفاع اجتماعی می گوید سلب آزادی از محکومین باید به عنوان آخرین حربه بکار گرفته شود زمانی که هیچ شیوه و راه حل دیگری نباشد این جنبش سعی دارد که از مجازات سالب آزادی اجتناب ورزد و توسل به نهادهایی از قبیل آزادی مشروط و تعلیق را توصیه می کند. یا آن را کلاً به کناری بگذارد که این تحت عنوان جانشین مجازات زندان نام گرفته است.

۴. مشروعیت سنجی جایگزین های حبس در رویکرد اسلامی با تأکید بر نهاد خانواده

با اینکه در فقه سنتی اسلامی، کمتر دیدگاهی معتقد به حبس زدایی و اجرای جایگزین های حبس دیده می شود و اصولاً مجازات حبس، به عنوان یک ضمانت اجرای مهم مد نظر است (هرچند، بعضاً نمونه هایی از گرایش به استفاده از سازوکارهای جایگزین حبس، در زمان پیامبر اکرم و امام علی دیده می شود که در فصول قبلی مورد اشاره قرار گرفته اند)، اما ایده اجرای جایگزین های حبس، بحث بی سابقه و نامأنوسی میان فقهای جدید و متأخر نیست. بدین ترتیب، به نظر می رسد مشروعیت سنجی جایگزین های حبس در رویکرد اسلامی را می توان بیشتر در میان رویکردهای جدید فقهی صورت داد.

حقیقت آن است که برخی از فقهای معاصر و مراجع عظام تقلید، به مضرات مجازات زندان به خوبی واقفند و رویکرد آن ها در جایگزینی مجازات های دیگر، در آراء و فتاوی آن ها مشهود است. نمونه های آشکاری از این نگاه بالنده را قبلاً در ارتباط با حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) و نیز مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی مطرح کرده ایم. به نظر می رسد به کارگیری زندان در سطح وسیع، کپی برداری از سیستم های غربی اعمال مجازات و به کار بردن حکم زندان در بسیاری از موارد که امکان جایگزین کردن ضمانت اجراهای مناسب تر به جای زندان وجود دارد، با فلسفه مجازات ها و کیفرها در اسلام ناسازگار است. اساساً نفس تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مثابه قانونی که برای نخستین بار، مجازات جایگزین حبس را به عنوان بخشی از ضمانت اجراها و واکنش ها نسبت به برخی جرائم پذیرفته، به خودی خود، گویای نگاه فقهی مثبت نسبت به این مجازات ها در نظام حقوقی کشور ماست. در واقع، از آنجا که این قانون پس از تأیید شورای نگهبان به قانون لازم الاجرا تبدیل شده و شورای نگهبان نیز وظیفه سنجش مصوبات تقنینی و بررسی انطباق یا عدم انطباق این مصوبات با احکام شرعی را دارد و ۶ نفر از اعضای این شورا نیز فقهای منصوب مقام رهبری هستند، بنابراین، از حیث فقهی، رویکرد تمسک به جایگزین های مجازات، مقبولیت و مشروعیت لازم را دارد و گرنه دلیلی بر تصویب این مجازات ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود نداشت. (۲۰)

بر این اساس، مجازات زندان در اندیشه های فقهی نوین نیز دیگر اهمیت قبل را دارا نیست و معایب و مضار ناشی از اجرای آن، گویا برای فقهای نواندیش نیز هویدا شده است. گفتنی است نسبت به برخی جرائم خاص، اصولاً رویکردهای حبس گرا دیگر چندان مشروعیتی ندارند و به جای این رویکردها، گرایش های حبس زدا مطمح نظر قرار گرفته اند. مصداق بارز این جرائم را می توان جرائم علیه کیان خانواده دانست. واقعیت امر این است که استفاده از ابزارهای کیفری و سرکوبگرانه، یکی از تدابیری است که قانونگذار درباره جرائم مربوط به خانواده پیش بینی کرده است. در بین واکنش های کیفری، مجازات حبس نیز دیده می شود. در قوانین فعلی ایران، برای ثبت نشدن واقعه ازدواج، طلاق، فسخ نکاح، ازدواج برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱، قانون مدنی، انکار رابطه زوجیت و ترک نفقه، از مجازات حبس تعزیری به عنوان ضمانت اجرای کیفری استفاده شده است. در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز وقایعی از قبیل انکار زوجیت و ادعای زوجیت (موضوع ماده ۵۲) مشاهده می شود که خود گویای توسعه کیفری در این وقایع است.

با عنایت به ماهیت ویژه روابط خانوادگی و بنیان های کانون خانواده که بر پایه عاطفه و اعتماد استوار است و همچنین محرمانه و خصوصی بودن روابط و حریم آن، قانونگذار باید حین قانونگذاری، به این حوزه توجه بیشتر و دقیق تر و عمیق تری مبذول دارد. در جایگاه نظری و عملی، اصولی همچون حکومت اخلاق بر خانواده و فرعی بودن حقوق کیفری (۲۱) و به تعبیر دیگر، قلمرو عاطفه و اخلاق بودن نهاد خانواده استفاده از ابزارهای

با وجود اینکه سیاست حبس زدایی هم در اسناد بالادستی و هم در قوانین عادی مورد توجه بوده است، نگرارش برخی از مقررات کیفری در کشور ما به نحوی بوده است که این هدف به طور کامل تأمین نمی شود و برعکس موجب ازدیاد جمعیت کیفری می شود. لازم است قانونگذار خود در تعیین مجازات هایی که برای هر یک از جرائم در نظر می گیرد، به اصل مهم تناسب میان جرم و مجازات توجه بیشتری داشته باشد تا علاوه بر پرهیز از شتابزدگی و تعیین مجازات های شدید برای جرائم غیر سنگین، به نحو منطقی بازدارندگی مناسبی برای مجازات ها ایجاد کند و همچنین توازن میان واکنش ها میان جرائم هم سطح را برقرار سازد.

علاوه بر این، توجه به وضعیت خانوادگی فرد مرتکب جرم و علقه ها و روابط عاطفی و روانی وی با اعضای خانواده اش، هنوز آنچنان که باید و شاید در میان قضات کشور، به موضوعی غیر قابل تردید و مورد عنایت کافی تبدیل نشده و گویا هنوز در این باره، تردیدها و تشکیک هایی وجود دارد.

References

1. Madani Kashani, Reza, *Kitab al-Qasas for Fiqha and Al-Khwass*, Islamic Publications Office, 1410 A.H.
2. Khalsi, Mohammad Baqir, *The rulings of the prisoners in al-Jaafari fiqh*, Islamic Publications Office, 1413 A.H.
3. Khoi, Sayyedab al-Qasim, *Basics of Completion of Al-Manhaj*, Revival of the Works of Imam Al-Khoi, 1422 A.H.
4. Marashi Najafi, Seyyed Shahabuddin, *Al-Qasas Ali Light of the Qur'an and Sunnah*, Ayatollah Marashi Najafi Library, 1415 A.H.
5. Sadouq, Muhammad Bin Ali, *Al-Muqnaq*, Imam Hadi Publications (peace be upon him), 1415 A.H.
6. Mohaghegh Hali, Jafar bin Hasan, *Islamic Laws in Halal and Haram Issues*, Ismailian Publications, 1418 A.H.
7. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, *criminal policy, dissertations of the doctoral course of Criminal Law and Criminology*, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, first semester of 2011-2018.
8. Sobhani, Ja'far, *Sources of Islamic Jurisprudence and Sources*, Dar al-Adwa, 1419 A.H.
9. Makarem Shirazi, Nasser,

قهرآمیز حقوق کیفری و به ویژه مجازات حبس، سنخیت چندانی با مقتضیات و ویژگی های نهاد خانواده ندارد و به جای آن می توان از جایگزین های حبس، بهره برد.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، سعی شد رویکرد خانواده محور بر فرآیند تقنین، صدور و اجرای حکم حبس مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مشخص شد که یکی از مهم ترین دلالتی که موافقان حبس زدایی و استفاده از مجازات های جایگزین حبس ارائه کرده اند، تأثیرات مخرب و ناگواری است که صدور و اجرای حکم حبس نسبت به خانواده فرد محکوم علیه به دنبال دارد. این مجازات، به ویژه می تواند روابط و پیوندها و علقه های عاطفی و روانی میان فرد بزهکار و اعضای خانواده وی را دچار معضلات مهم و آشکار نماید و به ویژه در فرضی که سرپرست خانواده، محکوم به حبس شده است، او را از نعمت خانواده و متقابلاً خانواده وی را از نعمت او محروم سازد. این امر، علاوه بر مشکلات معیشتی و اقتصادی، می تواند معضلات عاطفی و روانی نیز برای هر دو طرف به همراه داشته باشد.

در حقیقت، خانواده فرد محکوم به حبس- بر فرض وجود-، مهم ترین نهادی است که از زندانی شدن فرد، آسیب می بیند و دچار مضرات ناشی از آن می شود. اساساً یکی از مهم ترین نقدهای وارد بر مجازات زندان، آثار سوئی است که برای خانواده فرد زندانی به همراه دارد. این قبیل آسیب ها در ادبیات جرم شناسی و کیفرشناسی امروزی، تحت عنوان «هزینه های عاطفی زندان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

در عین حال، علاوه بر هزینه های عاطفی، اصولاً فقدان یا عدم حضور والدین به ویژه در خانواده های ایرانی که فرزندان، معمولاً استقلال مالی ندارند و تحت تکفل والدین خود هستند، هزینه های اقتصادی و معیشتی نیز برای اعضای خانواده و فرزندان به دنبال دارد. بنابراین، به هیچ وجه نمی توان از ابعاد مضر و مخرب اقتصادی مجازات زندان نیز چشم پوشید.

نکته ای که باید اضافه کرد اینکه هرچند سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی متأثر می شود ولی در عمل، این دو کاملاً منطبق با یکدیگر نیستند. بدین ترتیب، با اینکه مجازات های جایگزین حبس، در قوانین کیفری فعلی و به ویژه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب و به رسمیت شناخته شده اند، لیکن در عمل، هنوز آنچنان که باید و شاید، مورد توجه قضات نیستند و لذا ایشان، در حد محدودی اقدام به تعیین و اجرای این قبیل ضمانت اجراها نسبت به مرتکبان جرم می کنند و گویا کیفر حبس، همچنان یکی از پرتعدادترین مجازات ها در میان قضات است. بر همین اساس، سیاست جنایی قضایی، اندک تحولات تقنینی در زمینه شناسایی رسمی مجازات های جایگزین حبس را با معضل روبرو می کند. اگر هم اندک تمایلی به استفاده از جایگزین های حبس وجود دارد، بیشتر به صورت تعیین و اجرای کیفر جزای نقدی است که به ویژه می تواند یکی از زمینه های درآمدزایی برای دولت نیز به شمار آید.

Islamic criminology and customary criminology, Proceedings of the International Congress of Islamic-Human Sciences, Tarbiat Modares University Publications, first edition, 2015.

21. Naskhian, Hamid, Arrest and its foundations in Islamic jurisprudence, Rai Monthly, No. 69, Year 12, August and September 2017.

Encyclopedia of Jurisprudence, Imam Ali (peace be upon him), 1427 A.H.

10. Hosseini, Seyyed Mohammad, Criminal Policy of Islam, Justice Press, first edition, 1389.

11. Elham, Gholamhossein and Mohsen Burhani, Introduction to General Criminal Law, first volume, Mizan publishing house, third edition, 2018.

12. Haji Tabar Firouzjaei, Hassan, Alternatives to Imprisonment in Iran's Penal System, Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, 2018.

13. Khawaja Nouri, Yasman, Children's Criminal Justice, Mizan Publications, second edition, 2018.

14. Gholami, Hossein and Dawood Khaksar, Factors affecting the issuing of alternatives to imprisonment, Journal of Criminal Law Research, Volume 7, Number 26, Spring 2018.

15. Kashfi, Seyyed Saeed, Judging in the eyes of Imam Ali (AS), Noor Alam Publications, first edition, 2015.

16. Hashemi Shahroudi, Seyed Mahmoud, Imprisonment and De-Imprisonment Punishment, Foreword in: Proceedings of the National Conference on De-Imprisonment in Iran's Criminal Law System, Mizan Publications, 1st Edition, 2011.

17. Alishahi, Abulqasem and Mehdi Dehghan, Researching the theoretical foundations of respect for the human personality of criminals during punishment, Islamic Insight and Education Magazine, Year 12, Number 33, Summer 2014.

18. Safar, Mohammad Javad, lessons from family law, Jangal Publications, 6th edition, 2017.

19. Safavi, Samaneh Sadat, Aggravating Qualities of Punishment in Islamic Penal Code 1392, Master's Thesis of Criminal Law and Criminology, 1395.

20. Pourhasan, Amina, Adaptation of